

عنوان مقاله:

عدم ارث بری فرزند نامشروع از والدین طبیعی در بوته نقد

محل انتشار:

فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، دوره 3، شماره 3 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

سید جمال احمدی روئین - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حسین ناصری مقدم - دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

عباسعلی سلطانی - عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

نظریه پردازان مکتب تحقیقی (اثبات‌گرایان) قائل به وجود مفهومی تحت عنوان مجرمان بالفطره هستند؛ ایشان معتقدند کسانی که ذاتاً تمایل به انجام بزه دارند و به خاطر داشتن حالت خطرناک حتی قبل از وقوع جرم باید تحت مراقبت و اقدامات تامینی قرار گیرند. در مواجهه با این دیدگاه، ما با دو نوع تعالیم، در منظومه دینی خود روبرویم. در بسیاری از متون دینی، افراد بشر از فطرت و درون مایه پاک برخوردار و همگان در برابر رفتار آگاهانه و قاصدانه خود مسئول‌اند؛ در مقابل، برخی نصوص، مانند روایاتی که سعادت و شقاوت را ذاتی انسان‌ها می‌داند و نیز احکامی که فرد را بدون داشتن اختیار، از برخی حقوق و امتیازات محروم می‌دارد، شائبه نظریه‌های تحقیقی را زنده می‌کند. یکی از مصادیق چالش برانگیز وضعیت شرعی فرد متولد از رابطه نامشروع است؛ با این توضیح که مشهور فقیهان معتقدند: ولدالزنا از تصدی برخی امور و پاره‌ای از حقوق اجتماعی محروم است؛ از جمله بین او و والدینش رابطه توارث وجود ندارد. بنابراین، نه او از والدین ارث می‌برد و نه ایشان می‌توانند از وی چیزی به ارث برند. نوشتار حاضر در پژوهشی توصیفی-تحلیلی و با نگاهی مسئله محور، به بررسی حکم مزبور پرداخته و پس از تحلیل و نقد ادله، به این نتیجه رسیده که هیچ‌یک از مستندات قول مشهور، به وضوح مدعای عدم ارث بری فرزند نامشروع از والدینش را اثبات نمی‌کند، بلکه عموم آیات، روایات وارده و دلیل عقل، صراحتاً دال بر ارث بری وی از والدین خود می‌باشد، اما ارث بری والدین از ولدالزنا، به طور خاص و ویژه در مورد پدر، شدیداً محل تردید است.

کلمات کلیدی:

ولدالزنا، پدر، مادر، نسب شرعی، رابطه توارث

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/876634>

